



توسعه مفهوم دفاع مشروع در راستای منافع ملی در برابر تروریسم نوین از منظر حقوق بین‌الملل

احسان صادقی‌پور^۱

محمود گنج‌بخش^۲

کورش جعفرپور^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

چکیده

تحول در ماهیت و شکل تهدیدات بین‌المللی در قرن حاضر ناشی از فرایند جهانی شدن بوده و تروریسم نیز به فراخور این تغییرات دارای ابعاد فراملی و بین‌المللی گشته که معمولاً وقوع آن با سازمان‌یافتگی و استفاده از فناوری‌های نوین همراه شده است. بدین ترتیب این ویژگی‌ها به صعوبت امر مبارزه و پیشگیری از آن افزوده است. مبرهن است دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی حداقل در برخی مواقع قانونی است. اما به لحاظ ظهور گونه‌های جدید تروریسم مثل تروریسم آب، جهادگرایی بین‌المللی، سایبری و بالاخره دست‌یابی تروریست‌ها به سلاح‌های خطرناک راديواكتیوی، شیمیایی، بیولوژیکی که به یک‌باره صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره می‌افتد، این مسئله مطرح می‌شود که با توجه به مختصات تروریسم نوین استناد به حمله پیشدستانه و پیشگیرانه چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل دارد؟ این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بررسی نظریات و استدلال‌های حقوقی مطرح شده می‌پردازد و این فرضیه را آزمون می‌کند که دولت‌ها در صورت قرارگرفتن در معرض حمله مسلحانه حق دارند با استفاده از قوای نظامی متوسل به دفاع مشروع شوند.

کلید واژه‌ها

دفاع مشروع، حمله پیشدستانه، حمله پیشگیرانه، تروریسم نوین.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: st_e_sadeghipoor@azad.ac.ir

^۲ استادیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

Email: ganjbakhsh@khu.ac.ir

^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: kouroushajafarpour@gmail.com

مقدمه

جلوه‌های جدید خشونت‌طلبی در عرصه حیات بین‌المللی که از طریق نهادهای غیردولتی و به شیوه‌های سازمان یافته علیه دولت‌ها و برای رسیدن به اهداف خاص به کار گرفته می‌شود خصوصاً از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو چنان نامنی در افکار عمومی جهانی پدید آورد که وحشت از حملات تروریستی جایگزین دل‌نگرانی‌ها از جنگ‌های بین‌الدولی گردید. دولت‌های قربانی چنین حملاتی اغلب در پاسخ و با استناد به حق دفاع از خود دست به اقدامات گسترده نظامی علیه گروه‌های تروریستی مستقر در خاک دیگر کشورها زدند. بدین وسیله از نظر سنتی "حمله مسلحانه" فقط به حملاتی که از جانب دولت‌ها صورت می‌گرفت اطلاق می‌شد اما به رسمیت شناختن اینکه اعمال کشمگران غیردولتی می‌تواند منجر به یک حمله مسلحانه شود، بدون شک تحولی انقلابی در حقوق بین‌الملل است. در حالی که در حملات تروریستی فاجعه بار نظیر حملات القاعده شکل جدیدی از مخاصمه مسلحانه شکل گرفته است یعنی فراتر از حمله مسلحانه مندرج در ماده ۵۱ و در چنین وضعیتی دولت قربانی می‌تواند در جایگاه دفاع مشروع به زور متوسل شود (سرتیپی و بردبار، ۱۳۹۱: ۱۷) در واقع شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌های مطابق با حقوق بین‌الملل نظیر قطعنامه ۱۳۶۸ با متصف کردن این اقدامات به توسل به زور مفهوم جدیدی از دفاع مشروع (حمله پیشدستانه و پیشگیرانه) ارائه نمود و کشورها فرصت آن یافتند که در چاقوب دفاع مشروع به مبارزه با این پدیده هولناک بپاخیزند (شریفی طراز کوهی و فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۱۲). به عبارتی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر این مفاهیم تکوین یافته و به دلیل عدم کفایت و بسندگی منشور ملل متحد در مواجهه با معضل تروریسم، زیربنائی تئوریک برای قدرت‌های بزرگ برای مبارزه با تروریسم فراهم آورد. در حال حاضر قواعد منشور فقط از طریق تفسیر مورد تقویم قرار گرفته‌اند. لیکن در موارد زیادی این تفاسیر باعث هماهنگی بیشتر آن با واقعیات جامعه‌ی امروز شده و در برخی موارد تفاسیر متفاوت موجب عدم تجانس گردیده‌اند. با در نظر گرفتن اینکه تروریسم نوین برخلاف تروریسم سنتی دارای ابعاد و مشخصه‌های پیچیده و گسترده‌ای است هدف این مقاله پاسخگویی به این سوال است که آیا استناد به حمله پیشدستانه و پیشگیرانه در برابر تروریسم نوین از نظر حقوق بین‌الملل معاصر مشروعیت لازم را دارد؟ ماهیت سیال تروریسم نوین و گسترش یافتن آن در میان کشورهای گوناگون عملاً باعث شده است تا حقوق بین‌الملل نتواند اقدامات مقتضی را در این زمینه انجام دهد. به نظر می‌رسد علاوه بر فقدان تعریف جامع از پدیده تروریسم که به اجماع جامعه بین‌المللی رسیده باشد، نقص اساسی منشور ملل متحد مزید بر علت است که هدفش صرفاً برخورد با موجودیتی به نام دولت بوده است. تهدیدهای نوین مانند تروریسم از سوی حقوق بین‌الملل سنتی قابل پیش‌بینی نبوده و جای خالی آن به خوبی در منشور احساس می‌شود این دو عامل باعث شده است که دولت‌ها در راستای منافع ملی تفاسیری از اصل ۵۱ ارائه دهند که در هیچ جای منشور به چشم نمی‌خورد که قطعاً ادامه آن در دراز مدت موجب بی‌ثباتی و ناامنی در حقوق بین‌الملل را فراهم می‌کند. ناگفته نماند در زمینه موضوع مزبور

پژوهش‌های حقوقی جامعی که منجر به نتایج وحدت بخش شود، انجام نشده و نکته جدیدی که بتواند راهگشای مشکلات ایجاد شده در این خصوص باشد، را ارائه نمی‌دهند. با توجه به این که مقوله دفاع مشروع نیز در روند تکامل و تحول در حقوق بین‌الملل در پی ورود موضوعاتی همچون تروریسم نوین نیازمند روشنگری و تبیین بیشتری می‌باشد، مقاله حاضر در نظر دارد ضمن نگاه حقوقی مفصل به عنوان مأخوذه و ارائه راهکار، به جنبه‌های دیگر موضوع؛ امکان سنجی رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه در تئوری‌های مطروحه و ضعف ماده ۵۱ منشور بپردازد.

۱- پدیده تروریسم

قبل از بررسی تروریسم نوین و مختصات آن، ابتدا لازم است به اختصار به مسأله تعریف پدیده تروریسم اشاره کنیم.

۱-۱ مفهوم شناسی تروریسم

واژه تروریسم از زبان فرانسوی به زبان فارسی راه یافته و به معنی احساس ترس، ترساندن و وحشت آمده است که فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه تروریسم را به نظام یا رژیم وحشت معنا کرده است (طیب، ۱۳۸۲: ۲۰) تاکنون تعریف کاملی درباره تروریسم ارائه نشده است که پژوهشگران این حیطه روی آن توافق داشته باشند. مشکلات و موانع فکری و ساختاری بررسی و تعریف تروریسم از یک طرف و چالش‌های مقابله با آن از طرف دیگر به عدم اتفاق نظر جامعه جهانی برای تعریف جدید تروریسم منجر شده است (Ganor, 2015). در یک تعریف گفته شده است ترور یک ترس فلج کننده شدید یا بیم از آن است تروریسم تلاش آگاهانه برای اعمال ترور از طریق یک عملکرد سمبولیک است که استفاده یا تهدید به استفاده از زور مهلک غیر طبیعی را به منظور نفوذ بر یک شخص یا گروه هدف در بر دارد (هنل، ۱۳۸۳: ۱۳۶). در تعریف دیگر این پدیده بیان شده، تروریسم عبارت است از استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت توسط افراد یا گروه‌ها برای دستیابی به یک هدف سیاسی یا اجتماعی دو جز مهم تروریسم خشونت و انگیزه سیاسی و اجتماعی آن است (sandler, 2014: 1) عده‌ای آن را تاکتیک و دیگران استراتژی دانسته‌اند برخی آن را جنایت و گناهی نابخشودنی و گروهی وظیفه‌ای الهی و واکنش موجه به ظلم و ستم برشمرده‌اند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۵: ۸۸) این شکل ناشی آن بوده است که آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است (میرمحمد صادقی ۱۳۸۰: ۱۹۹). بسیاری‌ها مخالفان دولت‌ها را و برخی دولت‌ها را تروریسم می‌خوانند (مانند سوریه) و هنوز بسیاری به خاطر اهداف سیاسی از کاربرد اصطلاح تروریسم برای وقایع کاملاً تروریستی خودداری می‌کنند مانند حمله تروریستی به حرم شاهچراغ شیراز (دهداری، ۱۴۰۱) یا حادثه تروریستی در حرم رضوی (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱). در واقع تروریسم عمدتاً به گونه‌ای تعریف یا شناسانده می‌شود که

قدرت‌های سیاسی می‌خواهند یا منافع سیاسی آن را ایجاب می‌کند، به‌ویژه این که تروریسم در برخی مواقع با اصطلاحاتی نظیر دفاع مشروع، حق تعیین سرنوشت، مبارزه با تجاوز و اشغالگری در می‌آمیزد؛ به‌گونه‌ای که عدم توافق بر تعریف واحد از تروریسم، مانع مهمی بر سر راه اقدامات متقابل بین‌المللی است. به‌نظر می‌رسد مناسب‌ترین تعریف، تعریفی است که در طرح یا پیش‌نویسی که انتشارات دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۴ در باب مفهوم تروریسم منتشر نمود، آمده بود. مطابق این تعریف، تروریسم عبارت است از استفاده غیر قانونی یا بهره‌گیری تهدیدآمیز از نیرو یا خشونت فردی و یا گروهی سازمان یافته علیه مردم یا دارایی آن‌ها به قصد ترساندن یا مجبور کردن جوامع و حکومت‌ها، اغلب به دلایل ایدئولوژیکی یا سیاسی (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۴۵). به هر حال تروریسم یکی از اصلی‌ترین معضلات دولت‌ها در عصر حاضر است. در این زمان تروریسم همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دچار تغییرات شگرفی شده است تحولات ناشی از جهانی شدن نه تنها بر میزان و تعداد عملیات تروریستی تاثیر شدیدی گذاشته بلکه سبب شده جدای از اشکال تروریسم سنتی، در دهه‌های اخیر اشکال نوینی از سازمان‌های تروریستی پدید بیاید و آن را به یکی از تهدیدات جهانی در عصر کنونی تبدیل کند به همین جهت تروریسم نوین را تروریسم پسامدرن نیز نامیده اند. در حال حاضر ما شاهد موج چهارم تروریسم یا همان تروریسم مذهبی یا جهادی هستیم امروزه جبهه النصره، طالبان و گروه‌های شبیه به آنان از جمله مهم‌ترین گروه‌های تروریستی نوینی هستند که درصدد گسترش اسلام رادیکال در سراسر جهان هستند. به هر حال در اصطلاح سیاسی یا حقوقی، تروریسم عبارت است از استعمال نظام مند خشونت یا ارباب پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی (حیدرقلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

۲-۱ تروریسم نوین

اصطلاح «تروریسم نوین»، غالباً پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متداول شده و محور مطالعات تروریسم را تشکیل داده است، اما قدمت این اصطلاح به سال‌های پایانی جنگ سرد باز می‌گردد تا این که در حادثه ۱۱ سپتامبر به اوج خود می‌رسد (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۴). به عبارتی بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که از میانه دهه ۱۹۹۰ تروریسم به سمت شکل جدیدی تغییر جهت داده که خصوصیات جدیدی پیدا کرده است (بهارى و بخشى شیخ احمد، ۱۳۸۸: ۶) وقوع حوادثی نظیر حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در ۱۹۹۳م، و حمله به متروی توکیو در ۱۹۹۵م با گاز سارین نشانه‌هایی از تغییر اساسی در تروریسم بوده و بیان‌گر مسأله‌ای است که از آن به تروریسم جدید نام می‌برند (Laquere, 1996: 18-20) پژوهشگران مطالعات تروریسم در غرب و حتی در خاورمیانه، برای شناخت و بررسی تحول جدید در تروریسم، به مطالعه و تحلیل این رویداد می‌پردازند. به نظر ایزابل دایوستین، استاد تاریخ روابط بین‌الملل در هلند، تروریسم نوین اولاً به لحاظ مرتکبان و سازمان دهی،

سرشتی فرامرزی دارد؛ ثانیاً مبتنی بر نوعی افراط‌گرایی مذهبی است؛ ثالثاً هدفش حمله به بیشترین مردم ممکن است و به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارد و و رابعاً قربانیان خود را به دقت انتخاب و دستچین نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به صورت غیر تبعیض آمیز انتخاب می‌کند (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۵۳). برگسون و لیزاردو (دانشمندان جامعه‌شناسی) نیز معتقدند تروریسم نوین براساس سیستم جهانی موجود، سه قسم می‌باشد، نوع اول تروریستی می‌باشد که توسط بازیگران اصلی سیستم جهانی، علیه سازمان‌های دولتی اصلی در سیستم جهانی، به کار گرفته می‌شود؛ نوع دوم تروریستی است که از مناطق حاشیه‌ای و نیمه حاشیه‌ای برخاسته و علیه دولت‌های همان مناطق نیز به کار گرفته می‌شود. نوع سوم تروریستی است که ریشه در مناطق حاشیه‌ای و نیمه حاشیه‌ای داشته؛ اما علیه دولت‌های هسته‌ای به کار می‌رود (بهاری و بخشی شیخ احمد، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

۱-۳ تروریسم نوین و وجه تمایز آن با تروریسم کلاسیک

تروریسم نوین از قابلیت‌ها و امکانات دنیای مدرن بهره می‌برد به طوری که گروه مزبور در یک منطقه از جهان برنامه ریزی عملیات را بر عهده می‌گیرد اما در هزاران کیلومتر دور تر عمل تروریستی به منصفه ظهور می‌رسد. فناوری‌های نوین، هدف گیری تروریستی را آسان تر و مقابله با آن را مشکل‌تر ساخته است. عصر کنونی، عصر تشدید درگیری‌های شدید کوتاه مدت است. در سال ۲۰۱۶ خط تلفن اضطراری ضد ترور اسکاتلند یارد ۲۲ هزار تماس تلفنی در رابطه با اطلاعات مربوط به پیشگیری و تحقیق درباره جنایات جهادی دو برابر بیشتر از ۲۰۱۴ دریافت کرد (گوترتز، ۱۴۰۱: ۱۲). به عبارتی تروریسم نوین در این عصر جهانی می‌اندیشد و جهانی عمل می‌کند (ناجی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۸۵) به نظر می‌رسد تروریسم جدید دارای بازیگران انگیزه‌ها اهداف تاکتیک‌ها و اعمال جدیدی می‌باشد که با نوع قدیمی تر تروریسم که در میانه قرن بیستم در جریان بود، متفاوت باشد (Bergesen and Lizardo, 2004: 39-40). پژوهشگران غالباً مهمترین محورهای تروریسم جدید را به شکل زیر برمی‌شمردند: الف) در حالی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ حتی یک گروه تروریستی در هیچ جای دنیا نمی‌توانست با انگیزه دینی توصیف شود و تا اواسط دهه ۱۹۹۰، سهم آنها تقریباً به یک سوم کل گروه‌های تروریستی رسیده بود ولی امروزه نه تنها تعداد آنها افزایش یافته است، بلکه ایدئولوژی آنها تغییر کرده و ترکیبی از ملی‌گرایی و نمادها و مضامین مذهبی است (Nenumann, 2008: 4). تروریسم نوین ریشه در ایدئولوژی‌های مذهبی دارد (Brown, 2007: 31). پژوهشگران، تروریسم دینی یا مذهبی را به انواع تروریسم نوین می‌افزایند آنها مفهوم تروریسم مذهبی را برای به کارگیری خشونت برای رسیدن به اهداف مقدس، متعالی و مذهبی به کار می‌برند (Copeland, 2001: 97) در واقع مذهب فقط وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به خشونت است بر همین اساس، تروریسم مذهبی همچون گذشته به اهداف سیاسی خود پایبند بوده و آن‌ها را

دنیال می‌کنند. با این حال، در هم تنیدگی انگیزه مذهبی و اهداف سیاسی سبب شده است تا تمایز میان جنبه‌های مذهبی و سیاسی گروه‌های تروریستی مذهبی مشکل شود.

از نظر تروریسم مذهبی یک بمب‌گذار انتحاری که در جهاد شرکت می‌کند شهید محسوب می‌شود فعالیت‌های گروه‌هایی چون القاعده، النصره و بوکوحرام در این دسته قرار می‌گیرند. (ب) هدف تروریسم نوین بر جای گذاشتن بیشترین ویرانی ممکن است که آن را از طریق اشکال ویرانگر تسلیحات یا تکنیک‌ها همچون تروریسم انتحاری عملی می‌کند در صورتی که تروریسم قدیم در پی آفرینش نمایشی دراماتیک از طریق کمترین خسارات است (عابدینی، ۱۳۹۶: ۱۷۹). در مفهوم تروریسم نوین اگرچه هدف نهایی و اصلی ترور دستیابی به امیال و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد، ولی علاوه بر ابزارهای نظامی از ابزار و روش‌های متفاوت غیر نظامی هم استفاده می‌کنند و آن هم مورد تهدید و حمله قرار دادن ظرفیت‌ها و دارایی‌های زیست محیطی، انرژی و از همه مهمتر منابع آبی است که با ابزارهای غیر نظامی مانند سم و عوامل بیماری‌زا مورد حمله قرار می‌دهند (یوسف نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۹) تعداد تلفاتی که از چنین حملاتی ناشی می‌شود به سیستم موجود برای تصفیه آب در محل، نوع و میزان سم وارد شده بستگی دارد که می‌تواند فاجعه انسانی در پی داشته باشد. (پ) استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های بیولوژیک و انواع میکروب‌ها و پخش آن‌ها در میان مراکز جمعیتی با استفاده از ابزارهای گوناگون به منظور تضعیف روحیه طرف مقابل و ایجاد تلفات فراوان، از دیگر سلاح‌های غیر متعارف مورد استفاده تروریسم نوین است (سازمند و اسلامی یزدی ۱۳۹۴: ۹۲) که در صورت شیوع مقابله با آن بسیار دشوار است (مارک جی و جرالد وی، ۱۳۸۷: ۱۰۷) یا احتمال استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های هسته‌ای که ممکن است این مواد را از بازار سیاه خریداری کرده یا از دولت‌های حامی تروریسم دریافت کنند (عالی‌پور، ۱۳۸۵: ۶۰۴) شرایط جدید نظام بین‌الملل به نحوی است که تروریست‌ها می‌توانند به بسیاری از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و سایبری دست پیدا کنند و از آن استفاده نمایند (Campbell, 2000: 21). امروزه داعش مصداق بارز تروریسم جهادی است که از بستر فضای مجازی در راستای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند در ژانویه ۲۰۱۵ داعش حساب شبکه‌های اجتماعی مرکزی آمریکا را هک و اسنادی که شامل اسامی و آدرس مقامات نظامی ایالات متحده بود منتشر کرده بود (Threat Tactics Report, 2016: 1). به هر حال، تروریسم مفهومی است که در دنیای امروز جهانی شده و از این پس، محدودیت‌های بین‌المللی را بر نمی‌تابد. به این معنا، تحول تروریسم را می‌توان مولود در کنار هم قرار گیری مفاهیمی چون تروریسم مذهبی، تروریسم کشاورزی، بیوتروریسم و ... دانست و آن را به تروریسم نوین تعبیر نمود که می‌تواند در صورت دستیابی به نهایت ظرفیت خود به ابر تروریسم تبدیل شود در مجموع مختصات ذکر شده سبب می‌شوند تا تحلیل ابعاد حقوقی تروریسم با دشواری‌هایی همچون بحث دفاع مشروع روبرو شود ضمن این که دولت‌های درگیر تفاسیر خاص خود را از تروریسم ارائه می‌دهند و از این رو به‌طور ضمنی از برخی اعمال گروه‌های تروریستی به نفع خود بهره می‌برند.

۱-۴ مصادیق تروریسم نوین

بعد از آشنایی با پدیده تروریسم نوین و وجه تمایز آن با تروریسم کلاسیک به ذکر خلاصه‌ای از مهمترین مصادیق تروریسم نوین در عصر حاضر می‌پردازیم.

۱-۴-۱ تروریسم دولتی بین‌المللی

به گفته نوام چامسکی این نوع تروریسم، توسط افراد یا گروه‌هایی که تحت کنترل یکی از دولت‌ها باشند، عمل می‌گردد. البته این اقدامات تحت پوشش دیپلماتیک صورت می‌گیرد و هدف آن از بین بردن مخالفان در دیگر کشورهاست (Chomsky, 2003: 2). در این چارچوب از تروریسم که مورد حمایت غیرمستقیم دولت می‌باشد، دولت‌ها برای تحقق آن دسته از اهداف سیاست خارجی که از دیگر راه‌های سیاسی یا نظامی قابل حصول نیست و همچنین برای بدست آوردن یا تقویت پایگاه قدرت و نفوذ خود در میان جنبش‌های ایدئولوژیک و فرو نشانیدن مخالفان داخلی خود و حذف آنان از این شیوه و اقدامات تروریستی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، انکار مسؤلیت ناشی از این قبیل از اقدامات تروریستی که مورد حمایت غیرمستقیم دولت است، برای دولت‌ها آسان و ردیابی اقدامات آن‌ها اغلب دشوار و در عین حال مخفیانه که برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود احزاب و گروه‌ها را برای انجام فعالیت‌های تروریستی حمایت و تأمین مالی می‌کنند (حیدر قلیزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱-۱۱۰).

۱-۴-۲ تروریسم آب^۱

در مفهوم تروریسم اگر چه هدف نهایی و اصلی ترور دستیابی به امیال و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد، ولی ابزار و روش‌های متفاوت غیرنظامی نیز برای جو رعب و وحشت علاوه بر به کارگیری وسایل خشونت همانند اسلحه وجود دارد. آب سالم و زیر ساخت آن در سلامت نوع بشر و اکوسیستم طبیعت اهمیت بسزایی داشته است. نقش آب در حوزه تجارت و اقتصاد سبب شده است که از آن به عنوان ابزار غیرنظامی در جهت اهداف تروریستی مورد سوء استفاده قرار گیرد و بدتر این که فرصت لازم همیشه برای ضربه زدن به سیستم آب فراهم می‌باشد (یوسف‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۹). روشی که معمولاً تروریست‌ها برای حمله به ذخایر آب محلی به کار می‌برند عبارت است از ریختن عوامل شیمیایی یا میکروبی در ذخایر آب محلی یا استفاده از مواد منفجره‌ی متعارف برای آسیب زدن به زیر ساخت‌های اصلی مانند خطوط لوله، سدها و تصفیه خانه‌ها.

^۱ Water terrorism

۱-۴-۳ سایبر تروریسم^۱

یکی از مهمترین تهدیدات نوظهور، سایبرتروریسم است که به واسطه کار بست فزاینده فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به وسیله دولت‌ها برای تسریع، افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها در خدمت رسانی به شهروندان، اهمیت فزاینده‌ای یافته است (جواهری، ۱۳۹۴: ۴۴-۴۳). به لحاظ عملی تروریسم سایبری، عبارت است از «بهره گیری از اینترنت با هدف نابود ساختن ساختارهای زیربنایی یک جامعه مانند انرژی، حمل و نقل، فعالیت‌های دولتی و ...». توسعه جهانی فناوری‌های اطلاعاتی تأثیر بسزایی در شرایط سیاسی و بین الملل و همچنین آینده کشورها داشته است. فضای مجازی به عنوان بافت جدید عملیاتی، این امکان را برای گروه‌های تروریستی فراهم نموده است تا اهداف و نیت خود را در فضای مجازی فارغ از محدودیت‌های جهان واقعی پیگیری نمایند.

۱-۴-۵ تروریسم بیولوژیک^۲

تروریسم بیولوژیکی، عملی است که در آن عوامل بیولوژیکی به کار می‌رود. عوامل بیولوژیکی که می‌توانند به عنوان سلاح بیولوژیکی به کار روند شامل ارگانیسم‌های حیاتی (میکروارگانیسم‌ها و ماکروارگانیسم‌ها)، محصولات شیمیایی جانداران زنده (شامل زهرا به‌های بیولوژیکی)، مواد مصنوعی که عمل مواد بیولوژیکی را تقلید می‌کنند و موجودات زنده تراریخته هستند (داودی فرد و همکاران، ۱۳۹۲). سلاح‌های بیولوژیک، قوی‌تر و خطرناک‌تر از سایر سلاح‌ها هستند. تلفات ناشی از سلاح‌های بیولوژیک، به ویژه اگر عامل مسری باشد، می‌تواند از یک حمله شیمیایی یا هسته‌ای فراتر رود و تهدیدی برای تمام کشورها محسوب شود (جلالی و اقالر، ۱۴۰۲: ۷) در حالی که رشد سریع و پیشرفت‌های علمی در بخش بیوتکنولوژی، چشم انداز پیشگیری و علاج بسیار بیماری‌ها را به دست می‌دهد، فرصت‌های ایجاد و گسترش بیماری‌های مرگبار جدید را نیز افزایش می‌دهد و علی‌رغم این که تاکنون حمله‌ای با صدمات بالا رخ نداده، کشورها، کمیته‌ها و سازمان‌هایی را برای بررسی، پیشگیری و مقابله با این نوع تروریسم به ویژه بیوتروریسم تشکیل داده‌اند.

۳- مهمترین استثنای اصل عدم توسل به زور (دفاع مشروع) و تفاسیر دولت‌ها در راستای منافع ملی در رویارویی با تروریسم

با افزایش تعداد کنشگران غیردولتی و ازدیاد نقش آن‌ها در جامعه بین المللی، فراوانی جنگ میان دولت‌ها به تدریج جای خود را به جنگ میان دولت‌ها و موجودیت‌های غیردولتی داد و دولت‌ها در معرض حملات

¹ cyber terrorism

² Bio terrorism

این بازیگران جدید حقوق بین الملل قرار گرفتند. در نتیجه، ضرورت دفاع مشروع علیه آن‌ها به وضوح مشخص گردید. به واقع اکنون باید روشن شود، در صورتی که کنشگر غیردولتی صلح و امنیت بین‌المللی را نقض کند، آیا توسل به زور در جایگاه دفاع مشروع در برابر آن حائز مشروعیت است یا خیر.

۳-۱ دفاع مشروع و تروریسم نوین

بدون احتساب مواد ۵۳ و ۱۰۷ منشور ملل متحد که مجوز توسل به زور علیه آلمان و متحدانش در جنگ جهانی دوم را در صورت لزوم صادر می‌کنند و بدین خاطر موضوعیت خود را از دست داده و متروک شده اند فقط دو ساز و کار را منشور ملل متحد جهت توسل به زور به رسمیت شناخته است، اول امنیت جمعی بر مبنای ماده ۳۹ و مواد بعد از آن دوم دفاع مشروع فردی و جمعی بر مبنای ماده ۵۱. بدین ترتیب علی‌رغم این که منشور از تمام دولت‌ها می‌خواهد که برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تلاش کنند، هیچ یک از این مواد خللی به حق دفاع مشروع وارد نمی‌سازد بنابراین گرچه توسل به زور در حقوق بین‌الملل ممنوع شده اما در بعضی از موارد استفاده از زور می‌تواند مشروع باشد. بدیهی است هدف دفاع مشروع صرفاً دفع تجاوز دشمن است. اما هویدا است در صورتی که توان متجاوز برای استمرار تجاوز بسیار زیاد باشد لازمه دفع تجاوز نابود کردن مرکز فرماندهی خواهد بود (محمد علیپور و ممتاز، ۱۳۸۱: ۲۲۳). رژیم حقوقی بین‌الملل می‌کوشد در وهله اول از وقوع جنگ جلوگیری کند اما در صورت نقض پیمان استثنائاتی را آن هم در مقام دفاع می‌پذیرد. پس از ۱۱ سپتامبر که در طی آن اهدافی در قلمرو سرزمینی دولت آمریکا مورد حمله قرار گرفت، شورای امنیت در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ حق دفاع مشروع را بر اساس منشور ملل متحد در پاسخ به حملاتی که از نظر شورا تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بوده مورد تأکید قرار داد (کرم زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۶) در پی آن دولت آمریکا با استناد به دفاع مشروع، اقداماتی را علیه طالبان و سازمان القاعده در افغانستان انجام داد. براساس تعریف ماده ۵۱ از دفاع مشروع در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود، هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد (ملکی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۸). بنابراین توسل هر یک از دولت‌های عضو ملل متحد به دفاع مشروع صرفاً در صورتی امکان پذیر است که حمله مسلحانه‌ای علیه آن به وقوع پیوسته باشد (موسی‌زاده و کوهی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). سؤالی که در این خصوص مطرح است این است که آیا بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌توان جهت مقابله با تروریسم به حق دفاع مشروع استناد نمود؟ در پاسخ مثبت به سؤال فوق می‌توان استدلال عیدیه‌ای رو مطرح کرد: عبارت حمله مسلحانه در ماده ۵۱ منشور ملل متحد به طور مشخص تعریف نشده و ناچاراً قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ تحت عنوان «تعریف تجاوز» تعریف مشخصی را از آن به دست داده است (ICJReport, 2004: 139) ماده ۵۱ فقط وجود «یک حمله مسلحانه» و نه «حمله مسلحانه توسط یک

دولت» را ضروری دانسته است. این عبارت نشان می‌دهد که مدونین منشور قصد داشته اند تا تمامی اشکال حمله مسلحانه را پوشش دهند. در حقیقت منشأ حمله از منظر منشور موضوعیت ندارد. این جمله بندی به اندازه کافی عام تدوین شده است تا اجازه استناد به دفاع مشروع، در برابر حمله مسلحانه، از جانب موجودیت‌های غیردولتی را نیز می‌دهد. از طرف دیگر ماده ۵۱ انعکاس بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد. به عبارت دیگر این ماده تنها بخشی از ضوابط توسل به دفاع مشروع را مورد توجه قرار داده و به منظور بررسی سایر شرایط حاکم بر اعمال دفاع مشروع از جمله ضرورت و تناسب، فوریت و همچنین مفهوم حمله مسلحانه باید به حقوق عرفی موجود در این خصوص رجوع نمود (بهستانی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از منابع حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی می‌باشد. قاعده حقوق بین‌الملل عرفی دارای دو عنصر مادی و معنوی می‌باشد. عنصر مادی همان رویه دولت‌ها و سایر تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشد و عنصر معنوی به معنی اعتقاد حقوقی یا ضرورت وجود آن است. بدین ترتیب به تدریج و در دوره زمانی طولانی رویه یک شکلی از سوی دولت‌ها تکرار شده و تداوم یافته و به عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است حمله ایالات متحده آمریکا به لیبی به دلیل حمایت دولت لیبی از گروه‌های تروریستی، اقدام ایالات متحده علیه افغانستان به سال ۱۹۹۸ به دلیل پایگاه‌های آموزشی تروریستی بن لادن در افغانستان، اقدام ایران علیه پایگاه‌های سازمان منافقین در عراق در سال ۲۰۰۱ و... رویه همراه با اعتقاد حقوقی دولت‌ها از این نظر پشتیبانی می‌کند که کنشگران غیردولتی نیز مرتکب حمله مسلحانه می‌شوند و بدین گونه در مقابل آن حق دفاع مشروع به وجود می‌آید، که چنین روندی می‌تواند منجر به شکل‌گیری قاعده عرفی بین‌المللی باشد. نکته این است که هر چند عکس‌العمل بین‌المللی به اقدام دفاع مشروع در پاسخ به حملات تروریستی در مواردی منفی بود اما در دهه ۹۰ و به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر عکس‌العمل بین‌المللی نیز تغییر کرد و در جهت تأیید این رویه پیش رفت. از طرف دیگر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد (شورای امنیت و مجمع عمومی) نیز در برخی موارد ممکن است به عنوان دلیل حقوق بین‌الملل عرفی محسوب شوند یا در تشکیل حقوق عرفی جدید مؤثر باشند (شریفی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۶۸ با استناد به ماده ۵۱ منشور بر حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی دولت‌ها در مقابل تروریست تأکید نمود. به عبارتی شورای امنیت مسیر را برای این گفتار که ماده ۵۱ منشور، علاوه بر این که حاکم بر روابط میان دولت است، بر روابط میان دولت‌ها و کنشگران غیردولتی نیز حاکم است، هموار می‌کند. چنانچه در قطعنامه ۲۲۴۹ (مورخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵) که یک هفته پس از حادثه تروریستی در پاریس، تصویب شد (S/RES/2249, 2015: para 5) و فرانسه که پیش‌نویس آن را آماده کرده بود، در پی مشروعیت بخشیدن به این بود که حملات تروریستی داعش مثل ۱۱ سپتامبر در حکم حمله مسلحانه است و مطابق ماده ۵۱ منشور، فرانسه از حق ذاتی دفاع برخوردار است. حتی حقوقدانان شرکت کننده در تدوین سند اصول حقوق بین‌الملل در زمینه توسل به زور در دفاع مشروع بیان داشتند که حق دفاع

مشروع یک حق ذاتی است و دولت قربانی حمله ی کنشگران غیردولتی در هر حال می‌تواند در برابر حمله مسلحانه به دفاع مشروع متوسل شود حتی اگر آن حمله منتسب به دولت میزبان نباشد (عزیزی و نظری، ۱۳۹۳: ۲۳۵). به هر حال در این چارچوب به موضوع توسل به دفاع مشروع در مقابله با تروریسم به عنوان بازیگری غیردولتی مورد توجه واقع شده است. پر واضح است وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر خصوصاً جنایات دهشتناک دولت اسلامی عراق و شام و سایر گروه‌های تروریستی به مرور حقوق بین‌الملل را متقاعد می‌کند که دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی بازیگران غیردولتی نوین را مجاز بدانند.

در مجموع خلاء تعریف جامع از دفاع مشروع در منشور نظیر عدم اشاره به ماهیت آغازگران حمله مسلحانه (دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی) جهت توسل دولت‌ها به حق دفاع مشروع و گسترش تهدید فرامرزی تروریسم سبب گردیده تفاسیر متفاوت حمله پیشدستانه و حمله پیشگیرانه در زمینه توسل به ماده ۵۱ جهت مقابله با تروریسم ارائه گردد (Young, 2022: 2). بدین گونه به‌نظر می‌رسد که رویه کنونی در جهت فاصله گرفتن از مفهوم سنتی دفاع مشروع و توجه متزاید به تفسیر موسع از آن باشد. در ادامه بحث و جاهت حقوقی استناد به حمله پیشدستانه و پیشگیرانه در برابر بازیگران غیردولتی نوین را با توجه به ماده ۵۱ بررسی می‌کنیم.

۳-۲ توسعه دفاع مشروع در قالب (حمله پیشدستانه و حمله پیشگیرانه) در برابر بازیگران غیردولتی نوین و جاهت حقوقی یا فقدان آن؟

حملات انتحاری صورت گرفته به پنتاگون و انهدام برج‌های مرکز تجارت جهانی از طریق هواپیمارمایی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأثیرات خطرناکی بر اصل دفاع مشروع داشته است. در اصل قضیه ظاهراً دولت‌ها متفق القول هستند اما در تفسیر منشور ما بین حقوقدان‌ها و نیز رویه دولت‌ها در این زمینه اختلاف نظر شدید وجود دارد. در واقع جهان سیاست بیش از آنکه در زیر چتر حقوق و تعهد قرار داشته باشد از سیاست رنگ می‌گیرد (بهستانی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). پاره‌ای از حقوق دانان معتقدند می‌بایست این ماده را باید به‌طور موسع تفسیر کرد، زیرا این برای اهداف منشور مذموم است که دولت مدافع مجبور باشد حمله نخست دشمن را که احتمالاً ویرانگر باشد، تحمل کند و بنابراین قرائت لفظی ماده ۵۱ به حمایت از حق حمله نخست متجاوز منتهی می‌شود (Ackerman, 2003). از این رو به منظور امتناع از این برآیند باید این گونه بیان کرد که ماده ۵۱ حق دفاع مشروعی را مورد شناسایی قرار داده که قبل از تصویب منشور ملل متحد بسط یافته است (ibid). تفسیر موسع مرزهای مورد نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور را در نوردیده و دامنه استناد دولت‌ها به این ماده جهت مقابله با تهدیدات فراروی را گسترش می‌دهد به عبارت دیگر این دیدگاه استثنائات وارد بر اصل ممنوعیت توسل به زور منشور ملل متحد را بیش از دو استثنای دفاع مشروع و اقدام جمعی کشورهای عضو ملل متحد

می‌داند (صحرایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۹) در تفسیر موسع از ماده ۵۱ مفاهیم حمله پیشگیرانه^۱ و حمله پیشدستانه^۲ مورد توجه و پذیرش قرار می‌گیرند قابل ذکر است غالب نویسندگان اصطلاح دفاع پیشدستانه و دفاع پیشگیرانه مطرح می‌کنند که البته جای تردید دارد. واضح است زمانی که لفظ دفاع استعمال می‌شود این امر مستلزم این است که حمله‌ای صورت گرفته باشد در حالی که تئوری‌های مزبور همراه با فعل حمله هستند! ر در همین راستا باید اشاره کرد که حمله پیش دستانه متفاوت از حمله پیشگیرانه است این تفکیک را می‌توان در گزارش ۲۱ مارس ۲۰۰۵ که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه شده ملاحظه کرد (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۰۴). در حمله پیشدستانه فوری و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری بوده و این اطمینان وجود دارد که تلاش برای ممانعت از وقوع چنین حمله ناموفق، بازدارندگی، بی‌نتیجه و حمله همه جانبه دشمن در شرف انجام است (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۶). در مقابل اصطلاح حمله پیشگیرانه به مواردی گفته می‌شود که یک دولت برای سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی توسط دولتی دیگر به زور متوسل می‌شود حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی مبنی بر طراحی حمله وجود ندارد و مواردی که هیچ حمله اولیه‌ای صورت نگرفته است (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۷). باید توجه داشت در صورتی که تروریست‌ها در عصر تسلیحات اتمی به انواع سلاح‌های بیولوژیکی، شیمیایی و سایر تسلیحات کشتار جمعی پیشرفته دسترسی پیدا بکنند بسیار مضحک است که خود را در یک حالت انتظار انفعالی قرار دهیم در حالی که خطر یک حمله قریب الوقوع را در کنار خود داریم.

چه بسا هنگام برآمدن داعش و تسلط بر مناطق زیادی از عراق و سوریه و اقداماتی همچون نسل کشی، برده داری، تجاوز، تهدید حمله به کشورهای همسایه مثل ایران طی کمترین زمان ممکن هیچ یک از دولت‌های مورد هدف به ذهنشان چنین وضعیتی خطور نمی‌کرد ولیکن این اتفاق افتاد. پر واضح است که استفاده غیر منطقی از حمله پیشدستانه و پیشگیرانه از زور فاقد وجاهت است. موضوعی تحت عنوان حمله پیشدستانه و پیشگیرانه در هیچ کجای منشور مندرج نگشته است و این قاعده تنها از تفسیر موسع اصل ۵۱ برداشت می‌شود قاعده مذکور مبنایی بسیار خطرناک را در حقوق بین‌الملل بنیان گذارده است ایالات متحده آمریکا با استناد به این تفاسیر در صدد خلق قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل می‌باشد که از آن به عنوان عرف آنی یاد می‌کنند. اما همان طور که همگان تصدیق می‌کنند ماده ۵۱ استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل یا تهدید به زور است و لذا می‌بایست طبق قاعده کلی، به طور متناسب با آن اصل مورد تفسیر قرار گیرد، از این نظر تاویل این ماده نمی‌تواند چنان گسترش یابد که به انکار اصل کلی ممنوعیت توسل به زور منجر شود. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌طور ضمنی شرط وقوع یک حمله ی مسلحانه را به عنوان شرط لازم برای اعمال دفاع مشروع تأیید نموده است. از رویه قضایی

¹ Preventive attack

² Preemptive attack

دیوان این گونه مستفاد می‌شود که بر له اعمال حق دفاع مشروع علیه حمله‌ی مسلحانه و مخالف با تئوری‌های موسع دفاع مشروع است. کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل در گزارش خود با موضوع آزادی بیشتر این مسئله را تبیین ساخت که منشور اختیار کامل را به شورای امنیت داده که از نیروی نظامی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حتی در مواردی که حمله آشکار و حتمی نیست استفاده کند. در حالی که ماده ۵۱ منشور ملل متحد حملات حتمی و قریب‌الوقوع را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. امروزه در این خصوص این اتفاق نظریه وجود دارد که حمله پیشگیرانه و پیشدستانه خود نوعی تجاوز محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل هیچ جایگاهی ندارد. بر اساس رژیم منشور هرگونه حمله نظامی لازم است یا در پاسخ به یک حمله مسلحانه در حال وقوع صورت پذیرد یا در چارچوب فصل هفتم به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی انجام شود.

۴- لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه در تئوری‌های پیشدستانه و پیشگیرانه در مواجهه با تروریسم نوین

برخی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را دو حوزه کاملاً جدا می‌دانند که اولی مربوط به زمان جنگ و دومی به دوران صلح اختصاص دارد. کسانی هستند که حقوق بشر را اعم از حقوق بشردوستانه تلقی نموده و حقوق بشردوستانه را جزئی از آن می‌دانند که صرفاً در جریان مخاصمات مسلحانه به اجرا می‌آید (کلییار، ۱۳۷۱: ۶۵۵) علی‌رغم نظر مختلف علما حقوق، آنچه مسلم است موضوع و هدف مشترک هر دو شاخه انسان و حفظ حقوق انسان‌ها است و به همین علت ارتباط نزدیک میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه وجود دارد.

مقررات این شاخه از حقوق بین‌الملل^۱ که در سطح جهانی پذیرفته شده است برای حل مشکلات و مسائل زمان درگیری مسلحانه، از طریق ایجاد سلسله محدودیت‌هایی در استفاده از خشونت، نقش بسزایی ایفا کرده است. واضح است التزام به کنوانسیون‌های ۱۹۴۶ ژنو از منابع حقوق بین‌الملل در این خصوص، چنانچه حملات تروریستی با حمله مسلحانه یکی تلقی شود رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه برای پاسخگویی به آن قطعی است. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو استانداردهای حداقلی را برای طرفین مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی در نظر گرفته است که این استانداردها را گروه‌های غیردولتی نیز می‌بایست رعایت نمایند. شورای امنیت نیز جهت درنوردیدن مرز میان نیروهای درگیر در مخاصمه و فراگیر ساختن تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حرکت به سوی اصل برابری نیروهای متخاصم در قبال آن قواعد، در قطعنامه ۱۲۴۴ تصریح می‌کند که اصول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو باید توسط تمام نیروهای دولتی و غیردولتی درگیر در مخاصمات مسلحانه رعایت شود.

^۱ حقوق بین‌الملل بشردوستانه

استفاده شورای امنیت از واژه اصل در قطعنامه ۱۲۴۴، تدبیری زیرکانه در تعمیم تعهدات حقوق بشردوستانه به بازیگران غیردولتی بوده است (زمانی و ضیایی، ۱۳۹۰: ۶۲). حتی شعبه استیناف دادگاه ویژه سیرالئون در سال ۲۰۰۴ مقرر می‌کند: در صورتی که تنها دولت‌ها طرف معاهدات بین‌المللی باشند، تمام طرفین مخاصمات مسلحانه، اعم از دولتی و غیردولتی، ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند (محبی و شفیعی، ۱۳۹۶: ۹۷). در صورتی که مبارزه با تروریسم به استناد حمله پیشدستانه و پیشگیرانه به لحاظ گستردگی و شدت اقدامات نظامی و نیز طرفین مناقشه ویژگی‌های یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی را داشته باشد به طوری که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در مورد حمله نظامی به افغانستان، به اشتباه و با انگیزه‌های تبلیغاتی و سیاسی از آن به جنگ علیه تروریسم تعبیر گردید، حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اجرا بوده و طرف‌های مخاصمه ملزم هستند با افراد دستگیر شده و غیرنظامیان مطابق با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه رفتار نمایند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۹۳) حقوق بشردوستانه بدون توجه به قانونی بودن موضع طرفین مخاصمه در توسل به زور اجرا می‌شود و لابد در هر مخاصمه‌ای یکی از طرفین اصل عدم توسل به زور را نقض می‌کند. بدین ترتیب دولتی که با توسل به دکتترین توسعه دفاع مشروع متوسل به زور می‌شود به محض شروع مخاصمه حالت جنگ برقرار می‌شود و کلیه مناسبات عادی میان متخاصمان قطع شده و جای خود را به مناسبات خصمانه می‌دهد. در نتیجه جنگ آثار حقوقی معینی را، چه نسبت به کشورها و چه نسبت به افراد عادی به دنبال دارد. اصل تناسب یکی از اصول مهم حقوق بشردوستانه است این اصل به طور کلی به منزله یک اصل در حقوق بین‌الملل عرفی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی پذیرفته شده (Talbot, 2013: 204) و مستلزم برقراری تعادل بین مزیت‌های نظامی و حمایت از غیرنظامیان است. البته حقوق بشردوستانه مشخص نکرده است که چگونه ارزش‌های مختلف می‌بایستی در مقابل همدیگر برای اعمال این اصل سنجیده شوند (Dill, 2010: 3). در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تردیدی در پذیرش این گزاره وجود ندارد که بازیگران و کنشگران غیردولتی امروزه ملتزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند و تفاوتی از این لحاظ میان دولت‌ها و کنشگران غیردولتی وجود ندارد. بنابراین گروه‌ها و اعضای آن‌ها بابت اعمال متخلفانه خود دارای مسولیت هستند. در واقع گفته می‌شود که همه دسته‌های شورشی که به آستانه خاصی از سازمان دهی، ثبات و کنترل موثر بر یک بخش از سرزمین دست یافته اند، دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند و لذا در مخاصمات مسلحانه ملزم به مراعات قواعد حقوق بین‌الملل هستند. البته باید گفت ماهیت حقوق بشردوستانه به دلیل پیچیده بودن طرف‌های درگیر در تروریسم نوین بسیار دشوار است چرا که تضمین طرف‌های درگیر در یک موضوع را مستلزم است.

۵- عدم کفایت حقوقی ماده ۵۱ منشور ملل متحد در مقابله با تروریسم نوین

جمعیت جهان از مرز ۷ میلیارد گذشته است، یک سوم این جمعیت در بی‌ثباتی زندگی می‌کنند. علوم

بشری پیشرفت قابل توجهی پیدا کرده اما پیرو آن تهدیداتی به مانند تروریسم، بعد جدیدی به فاجعه‌های سیاره ما افزوده است. امروزه تروریسم به عنوان یکی از اشکال خشونت، به چالش جدی بین‌المللی مبدل گشته است با توجه به آثار جهانی شدن اقدام‌های تروریستی از شکل سنتی خود فاصله گرفته و هر روز بر شمار قربانیان خود افزوده است بنابراین صرف اتخاذ مجازات پس از ارتکاب حملات تروریستی پاسخ گوی شرایط مخاطره آمیز کنونی نبوده و نیازمند راهکارهای به روزتری جهت پیکار با تروریسم پیش از ارتکاب هستیم. به واقع، هنگام تدوین منشور در سال ۱۹۴۵ بنیاد آن در پی ممانعت از منازعاتی بودند که در جنگ جهانی دوم رخ داده بود یعنی وضعیتی که در آن نیروهای نظام مند یک دولت، به‌صورتی آشکار اقدام به تجاوز علیه دیگر دولت‌ها می‌نمودند. پس نه سلاحهای کشتار جمعی و نه بازیگران غیردولتی در این چارچوب مدنظر نبوده اند. تعیین این امر که کدام دولت دارای سلاح هسته‌ای است و چه زمانی در نظر دارد از آنها استفاده کند کاری بس دشوار بوده پس مشکل است بتوان در مقابل آن دفاع موثری به عمل آورد به‌همین سان تروریست‌ها نیز از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که بسیار دشوار، بلکه غیر ممکن است که زمان وقوع حملات آنان را دریافت، یا پایه پای آن‌ها اقداماتشان را ردیابی نمود (Arend, 2003: 97). اما به‌نظر می‌رسد نه فقط قواعد و مقررات منشور، بلکه عملکرد ابر قدرت‌ها در زمینه حمایت از تروریسم یا لاقول زمینه سازی برای ظهور آن در اقصی نقاط جهان، عدم کفایت ماده ۵۱ منشور را شدت می‌بخشد. در برخی مواقع بازیگران غیردولتی با استفاده از امکاناتی که محیط سایبر در اختیار آن‌ها قرار داده بدون این که گلوله‌ای شلیک شود اعمالی را مرتکب می‌شوند که خسارات ناشی از آن بسیار بالاتر از خسارات برخی جنگ‌های مسلحانه است (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۲). در جنگ سایبر به سازوبرگ‌های نظامی و ارتش‌های بزرگ نیاز نیست (کیانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲) در این جنگ چه بسا افراد اندکی با برخورداری از مهارت‌های بالا می‌توانند به زیر ساخت‌های حیاتی یک کشور خسارات زیادی وارد کنند (عباسی و مرادی، پیشین) به‌همین دلیل در مقایسه با هزینه‌هایی که دیگر تروریست‌های مدرن برای تهیه سلاح مسافرت‌های بین‌المللی و امکانات آموزشی متحمل می‌شوند تروریسم مبتنی بر فناوری اطلاعات یا سایبری نسبتاً ارزان‌تر و کم‌زمان‌بر است (Stark, 1999: 9). در عصر موشک‌ها و سلاح‌های اتمی که قاچاق سلاح‌های کشتار جمعی و دسترسی به این نوع سلاح‌ها به همراه پتانسیل تخریب گسترده آنها یا تروریستی مثل داعش که به تعبیر قطعنامه‌های شورای امنیت، تهدید جهانی و بی سابقه علیه صلح و امنیت بین‌المللی، ثبات بین‌المللی را در معرض خطر قرار می‌دهد اگر از این تئوری دفاع شود که دولتی در حالی که کاملاً از جنبه ویران کننده وسایل تخریبی به کار گرفته شده آگاه است باید صبر کند تا حمله صورت گیرد. در عصر اتم عقل سلیم حکم می‌کند که نمی‌توان نیازمند تفسیری از یک اصل مبهم در یک متن ماند تا در این راه یک دولت پیش از آنکه بتواند از خود دفاع نماید منفعلانه منتظر سرنوشت خویش بماند. فرضاً سلاح‌های بیولوژیک که در عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، در این سلاح‌ها به جای مواد منفجره از

عوامل بیولوژیک استفاده می‌شود که با انفجار سلاح، این عوامل در هوا به صورت ذرات معلق و در آب به صورت قطره‌های ریز پخش می‌شوند. نقطه تمایز این سلاح‌ها با تسلیحات نظامی، قابلیت پنهان بودن را دارند و اثر آن‌ها هم می‌تواند تا مدت‌ها در محیط باقی بماند (جلالی و اقالر، ۱۴۰۲: ۹). در طی بیش از ۵۰ سال که از انعقاد منشور می‌گذرد رویه عرفی دولت‌ها بسیار متفاوت از زمان منشور به نظر می‌رسد اگر قرار بود که ممنوعیت استفاده از زور از سوی دولت‌ها علیه تمامیت ارضی یا به هر روش دیگری که مغایر با اهداف ملل متحد، ممنوع باشد، به نظر نمی‌سد در عمل محقق شده باشد. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ و طرح دفاع مشروع به عنوان حق ذاتی کشورها تلویحاً مجوز حمله به افغانستان را صادر نمود شورا برایش مهم نبود که تکنیک مندرج در ماده ۵۱ دچار چه سرنوشتی می‌شود. به عبارتی شورا در این مرحله ترجیح داد به عنوان یک قانونگذار نامحدود اقتدار گرای خود را به منصف ظهور برساند. در قرن حاضر شیوه‌های جدیدی از سوی بازیگران غیردولتی برای آسیب رسانی به دولت‌ها ایجاد گردیده است که حقوق بین‌الملل برای مقابله با این معضل جهانی و تعیین حقوق و تکالیف اعضای جامعه بین‌المللی در برخورد با این پدیده با چالش‌های متعددی روبروست نه کنوانسیون جامعی در این زمینه وجود دارد و نه عرف بین‌المللی واحدی که دولت‌های قربانی بدانند در برابر آن‌ها به چه اقداماتی متوسل شوند. به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در خصوص حمله پیشدستانه و پیشگیرانه به خصوص در برابر کنشگران غیرمتعارف یکی از چالش‌های اساسی نظام حقوق بین‌الملل فعلی است. از یک طرف، پذیرش آن امکان سواستفاده‌های احتمالی را افزایش داده و از طرفی مردود شمردن آن بینشی غیرمنطقی به واقعیات موجود در جامعه بین‌المللی است. تکرار حملات تروریستی جدید و طرح حملات پیش‌دستانه و پیشگیرانه می‌تواند بزرگترین تهدید برای بنیادی‌ترین دستاورد و منشور ملل متحد همانا بند ۴ ماده ۲ منشور ملل باشد بند ۴ (حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) که تنها سنگ بنای صلحی است که علی‌الظاهر رو به افول دارد. موفقیت جامعه جهانی در برابر خطر تروریسم نوین مشروط به آن است که هر گونه تعارض میان گفتمان حقوقی و سیاسی برطرف شود و در این زمینه لازم است تا جامعه جهانی به وفاق روشنی درباره تعریف مشترک از تروریسم نائل شود.

فرجام کلام

تروریسم نوین از چالش‌های جدی امنیتی در عصر جهانی شدن و مهم‌ترین نگرانی فراروی جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل است که بر میزان ناامنی‌های جهان افزوده و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. دنیای امروز متفاوت از گذشته است تقریباً در تمامی حوزه‌های مربوط به امنیت بین‌المللی مفاهیم جدیدی شکل گرفته یا مفاهیم قبلی دچار تحول شده است. یکی از این مقوله‌ها پدیده تروریسم است. تروریسم نوین برخلاف تروریسم سنتی دارای ابعاد و مشخصه‌های پیچیده و گسترده است. علی‌رغم عدم اجماع بر سر مفهوم تروریسم، جامعه بین‌المللی درباره مبارزه با تروریسم

هم نظر بوده است و بدین سبب تلاش‌های بسیاری برای مبارزه با این پدیده انجام داده است. طی سال‌های اخیر با گسترش چشمگیر حملات مسلحانه تروریستی خصوصاً پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عملکرد دولت‌ها و رویه‌ی بین‌المللی حاکی از پذیرش حق دفاع مشروع کشورها علیه حملات تروریستی از جانب بازیگران غیردولتی می‌باشد.

امروزه دیگر نباید راهکارهای مبارزه با تروریسم را با مظاهر سنتی تروریسم تطبیق داد در این مورد عملکرد دولت‌ها حاکی از آن است که قواعد حاکم بر توسل به زور علیه تروریسم یک رویه قابل تغییر است. صرف نظر از آرمانگرایی‌های متخصصین حقوق بین‌الملل در حال حاضر رویه بین‌المللی حکایت از مشروعیت توسل به دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی گروه‌های غیردولتی از سرزمین یک کشور ناتوان یا کشوری که حکومت آن در برابر اعمال گروه‌های غیردولتی حالت انفعالی داشته است، دارد. با توجه به این که در چارچوب منشور حق دفاع مشروع استثنایی مضیق بر ممنوعیت کلی توسل به زور است باید در چنین محدوده‌ی دقیقی تفسیر و اعمال گردد در نتیجه حمله پیشدستانه و پیشگیرانه کاملاً مغایر با مفهوم دفاع مشروع، آن گونه که در منشور مقرر شده، می‌باشد. با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که حقوق بین‌الملل کنونی چیزی به این عناوین را شناسایی نکرده و طرفداران این نظریه به دنبال پیدا کردن جایگاه حقوقی برای آن هستند. این تفاسیر در واقع دستاوردهای بشری برای تامین صلح و امنیت بین‌الملل را به زیر سوال برده و امنیت نسبی موجود در جهان را در گردابی از کنش و واکنش‌های متقابل و مستمر غرق خواهد نمود. بازنگری منشور برای درج راه‌های مقابله با ناامنی‌های نوین در آن ضروری است. چرا که در زمان تدوین منشور، نوع تهدیدها، تعیین کننده نظام امنیت بین‌المللی محسوب می‌شد.

بنابراین با توجه به تغییراتی که در خصوص تهدیدات جهانی ایجاد شده، طبیعتاً باید برای مواجهه با ناامنی‌های نوین، روش‌های نوینی اتخاذ شود. صلح و امنیت جهانی در قرن بیست و یکم باید بر مکانیسم‌های حل و فصل دسته جمعی مسائل کلیدی و حساس و خطرناک بین‌المللی مانند تروریسم نوین و اولویت حقوق بین‌الملل جهانی و دموکراتیزه کردن گسترده روابط بین‌الملل استوار باشد. شایسته است که جامعه بین‌المللی باید تمام انرژی خود را برای مبارزه با تروریسم و التیام زخم‌های حاصل از آن به کارگیرد ولی شیوه برخورد با این مسأله برای آینده بشریت بسیار سرنوشت ساز است. کوتاه سخن آن که اگر حمله‌ای تروریستی به لحاظ گستره و شدت به حدی باشد که بتواند آثار یک حمله مسلحانه را بر جای گذارد، می‌توان آن را در حکم تجاوز نظامی، و امکان توسل به دفاع مشروع را به منظور مقابله با آن مجاز تلقی کرد.

منابع و مأخذ

فارسی

کتاب

- طیب، علیرضا (۱۳۸۲) تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق: تهران، نشرنی چاپ اول.
- کلییار، کلود آلبرد (۱۳۷۱) نهادهای روابط بین الملل، ترجمه دکتر هدایت الله فلسفی، تهران، نشر نو.
- گوئرتز، استفان (۱۴۰۱) تروریسم نوین: بازیگران، راهبردها و تاکتیک‌ها، ترجمه عسگر قهرمان پور، چاپ اول، انتشارات جوینده.
- ملکی زاده، امیرحسین (۱۳۹۷) دفاع مشروع در رویه دیوان بین المللی دادگستری با تاکید بر قضیه سکوه‌های نفتی، چاپ اول، انتشارات مجد.
- موسی زاده، رضا، کوهی، ابراهیم (۱۳۸۹) حقوق سازمان‌های بین المللی: حقوق شورای امنیت، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۸) جهانی شدن تروریسم، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- هنل، ریچارد (۱۳۸۳) تروریسم؛ شکل جدید جنگ ترجمه احمد واحدیان غفاری، چاپ اول، انتشارات سخن گستر.
- یوسف نیا، محمد صادق (۱۳۹۰) تروریسم نوین مروری تاریخی بر تروریسم آب، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی
- ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.

مقالات

- بهاری، بهنام، بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۹۰) تحول مفهوم تروریسم از انگیزه تا گستره فعالیت، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۷، زمستان، صفحه ۱۷۲ - ۱۵۱.
- بهاری، بهنام، بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۸) چپستی تروریسم جدید و ویژگی‌های آن، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم شماره ۲۷.
- بهستانی، مجید (۱۳۸۷) دفاع پیشگیرانه در حقوق بین الملل جدید، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۲.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸) تحول تروریسم در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۶، زمستان، صفحه ۱۷۰ - ۱۴۵.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵) تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۴، زمستان، صفحه ۸۵۶ - ۸۲۱.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶) ضد تروریسم نوین، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم شماره سوم.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۵) تروریسم سایبری، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق اسلامی شماره ۱۰، پاییز، صفحه ۱۱۲ - ۸۵.

- جلالی، محمود، اقالر، علی اصغر (۱۴۰۲) توسل به بیوتروریسم از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، صفحه ۱-۵۵۵.
- جواهری، مهدی (۱۳۹۴) بررسی تروریسم از نظر گونه شناسی (مورد مطالعه تروریسم سایبری در بحث فناوری هسته‌ای ایران)، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان، صفحه ۶۴ - ۳۱.
- حبیب زاده، توکل (۱۳۸۶) حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم، پژوهش نامه حقوق اسلامی، شماره ۲۵، بهار و تابستان، صفحه ۹۸ - ۶۱.
- حیدرقلی زاده، جعفر، بیگی، جمال، مطلبی، مسعود (۱۳۹۶) دگردیسی مفهومی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۲. صفحه ۱۲۶-۱۰۱.
- داودی فرد، مهدی، حبیبی، داود، داودی فرد، فرهاد (۱۳۹۲) عوامل بیولوژیکی و اهمیت آن در تروریسم بیولوژیکی، همایش ملی پدافند غیرعامل در بخش کشاورزی، جزیره قشم، شرکت تعاونی علم گستران پیشتاز ایرانیان.
- زمانی، سیدقاسم، ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۰) تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی‌طلبان، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۲۸، شماره ۴۵.
- سازمند، بهاره، اسلامی یزدی، مریم (۱۳۹۴) تحولات تروریسم بین‌الملل بعد از جنگ سرد و ارزیابی اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با آن، فصلنامه، سیاست دوره چهل و پنجم، شماره ۲.
- سرتیپی، حسین، بردبار، احمد (۱۳۹۱) بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مختصات مسلحانه بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی سال چهاردهم، پاییز و زمستان، شماره ۳۸.
- شریفی طرازکوهی، حسین، فتح پور، فاطمه (۱۳۹۶) الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل، نشریه حقوقی دوره نهم، شماره ۲.
- شریفی، محسن (۱۳۸۲) تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۵.
- صحرايي، محمدرضا (۱۳۸۸) مشروعیت توسل به زور در مبارزه با تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۴.
- ظریف، محمدجواد، آهني امينه، محمد (۱۳۹۱) دفاع مشروع پیشدستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۲.
- عابدینی، داوود (۱۳۹۶) جامعه شبکه‌ای تروریسم نوین؛ بررسی منابع ژئوپلیتیکی، ژئو اکونومیکی و ژئو کالچری تروریسم نوین در منطقه خاورمیانه در راستای دستیابی به یک مدیریت اجرایی برای امنیت، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره اول.

- عالی پور، حسن (۱۳۸۵) تروریسم هسته‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- عباسی، مجید، مرادی، حسین (۱۳۹۴) جنگ سایبر از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مجلس و راهبرد سال بیست و دوم شماره ۸۱.
- عزیزی، ستار، نظری، خاطره (۱۳۹۳) حدود دفاع مشروع دولت قربانی علیه کنش گران غیردولتی، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱۰ زمستان، صفحه از ۲۱۵ تا ۲۴۲.
- کرم زاده، سیامک (۱۳۸۲) تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۱.
- کیانی زاده، علی، وثوق، مهدی، بیرجندی، فاطمه، قاسمی، زهرا (۱۳۹۷) چالش‌های تروریسم نوین از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نشریه آفاق علوم انسانی شماره ۲۳.
- مارک جی، کورت پیتر، جرالده وی، پارکر (۱۳۸۷) نگاهی به تهدیدات بالقوه سلاح‌های بیولوژیک کشتار جمعی، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۶۸.
- محبی، محسن، شفیعی، ایمان (۱۳۹۶) تحول مفهوم دفاع مشروع: حقوق بین‌الملل و بازیگران غیردولتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱.
- موسوی، سید فضل‌الله، حاتمی، مهدی (۱۳۸۵) دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۷۲، شماره ۰، صفحه ۳۲۴-۳۰۳.
- محمد علیپور، فریده، ممتاز، جمشید (۱۳۸۱) دفاع مشروع، فصلنامه مجلس و راهبرد، پاییز، شماره ۳۵.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۰) ملاحظات در باب تروریسم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴ و ۳۳ بهار تا، زمستان، صفحه ۲۰۸ - ۱۸۵.

انگلیسی

- Ackerman, David (2003), "International Law and the Preemptive" Use of Force Against Iraq, CRS Report of Congress April 11.
- Arend, Antony Clark (2003), "International Law and the Preemptive Use of Military Force" The Washington Quarterly, Spring, Vol. 26, 'O 2.
- Bergesen, Albert J. & Lizardo, Omar A. (2004) "international terrorism and the world- system", sociological theory, Vol. 22, No. 2
- Brown, Cady (2007) "The New Terrorism Debate", Alternatives: Turkish Journal of International Relations, Vol. 6, No. 3&4, Full & Winter .
- Campbell, James (2000), "on not understanding the problem," in Brad Roberts chemical and biological Arms control Institute, p. 21 .
- Chomsky, Noam (2003), interviewed by John Bolender, On Terrorism, "Rules and Representations," The Behavioral and Brain Sciences, 1 - 15 .

- Copeland, Thomas (2001). Is the "New Terrorism" Really New ?" An Analysis of the Nev Paradigm for Terrorism", Journal of Conflict Studies, Vol. XXI, No. 2.
- Dill, Janina (2010) Applying the Principle of Proportionality in Combat Operations, Policy Briefing, Oxford Institute for Ethics, Law and Armed Conflict .
- Ganor, B. (2015). 'lobal Alert: The Rationality of Modern Islamist Terrorism and the Challenge to the Liberal Democratic World, New York., Col'mbia University Press.
- ICJ report (2004), "legal consequences of the construction of a wall in occupied Palestinian territory", Advisory opinion .
- Laquere, Walter (1996) ("ostmodern terrorism," Foreign Affairs, vol. 75, September/October .
- Neumann, P. R. (2008). Terrorism in the 21st Century: The Rule of Law as a Guideline for German Policy, Compass 2020 project: 'ermany in International relations Aims, Instruments, prospects, Berlin, Friedrich-Ebert-Stiftung.
- Sandler, T. (2014). "Terrorism and counterterrorism: an overview", Oxford Economic Papers, Volume 67, Issue 1, pp: 1-20 .
- Stark, Rod (1999), cyber Terrorism: Rethinking New Technology Department of Defence and Strategic Studies .
- S/RES/2249 (2015), [Threats to international peace and security caused by terrorist acts] .
- Talbot, Eric Jensen (2013) "Cyber Attacks: Proportionality and Precautions in Attack", International Law Studies, Vol 89, 198-217 .
- Threat Tactics Report (2016). Islamic State of Iraq and the Levant. <http://www.TheAtlantic.com>
- YOUNG, Stephen (2022) Contesting Subjects: International Legal Discourses on Terrorism and Indigenous Peoples' Human Rights Asian Journal of International Law, First View .

منابع اینترنتی

- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱) جزئیاتی از هویت ضارب سه روحانی در حرم رضوی (ع):
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/01/17/2691652>
- دهداری، محمد رضا (۱۴۰۱) حمله تروریستی به حرم شاهچراغ (ع):
<https://www.isna.ir/photo/1401080403012/%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87>



Development of the concept of self-defence in line with national interests against modern terrorism from the perspective of international law

Ehsan sadeghipoor^{*}
Mahmoud Ganj Bakhsh^{**}
Kourosh Jafarpour^{***}

Abstract

The evolution in the nature and form of international threats in the current century is due to the process of globalization, and terrorism has become transnational and international in response to these changes, which usually occurs with the organization and use of new technologies. Thus, these characteristics have added to the difficulty of fighting and preventing it. Arguably, self-defence against non-state actors is at least sometimes legal. But in terms of the emergence of new types of terrorism such as water terrorism, international jihadism, cyber terrorism, and finally the acquisition of dangerous radioactive, chemical, and biological weapons by terrorists which suddenly endangers international peace and security, This issue is raised, considering the coordinates of modern terrorism, what is the position of reference to preemptive and preventive attack in international law? This research examines the proposed legal theories and arguments with a descriptive analytical method and tests the hypothesis that governments have the right to resort to self-defence by using military forces if they are exposed to an armed attack.

Keywords

Self-defence, preemptive attack, preventive attack, modern terrorism.

^{*} PhD student of Public International Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. st_e_sadeghipoor@azad.ac.ir

^{**} Assistant Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran (corresponding author): Ganjbakhsh@khu.ac.ir

^{***} Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. email: Kouroshjafarpour@gmail.com